

فصلنامه پیام فرهیختگان (علوم تربیتی)

سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵

صفحات: ۱۴-۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵

مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه با دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه

حبیب‌الله رحیمی* / قاسم کشاورز گرامی**

چکیده

رشد اجتماعی، برقراری روابط اجتماعی و توانایی هم‌نوایی با معیارهای گروه، خلیات و سنت‌هاست. بعد از خانواده، مدرسه و کلاس درس مهم‌ترین عاملی است که در اجتماعی شدن کودکان نقش دارد. کلاس‌های درس از نظر حضور تعداد پایه‌های تحصیلی یکسان یا مختلف به دو گروه مجزای کلاس‌های درس تک‌پایه و کلاس‌های درس چندپایه تقسیم می‌شوند. هدف از انجام این پژوهش مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه با دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه است. برای دستیابی به این هدف ۱۲۰ نفر از دانش‌آموزان جامعه مورد نظر این پژوهش در شهرستان میامی انتخاب و با پرسشنامه معتبر رشد اجتماعی وایلد اندازه‌گیری شدند. در تحلیل داده‌ها از آزمون تی و مانوا استفاده شد. نتایج نشان داد تفاوت رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس چندپایه با نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس تک‌پایه در سطح $p < 0/01$ معنی‌دار می‌باشد. نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه بیشتر از نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه است. در مقایسه مؤلفه‌ها مشاهده شد بین ۳ مؤلفه از ۷ مؤلفه رشد اجتماعی (مشغولیات، ارتباطات و اجتماعی بودن) در این دو گروه دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری در سطح $p < 0/01$ وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: رشد اجتماعی، کلاس‌های چندپایه، کلاس‌های تک‌پایه

* کارشناسی ارشد، آموزش و پرورش ابتدایی دانشگاه آزاد اسلامی قائنات
Rahimihabiballah@gmail.com

** کارشناسی ارشد سنجش و اندازه‌گیری علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)
Ghaseem_keshavarz@yahoo.com

مقدمه

زندگی اجتماعی به سازگاری با دیگران، توافق با آنان و تا حدی کوشش برای انتظارات آن‌ها نیاز دارد. تعداد روزافزون افرادی که برای برقراری ارتباط با دیگران مشکل دارند یا افرادی که دستخوش ترس از برخوردهای اجتماعی‌اند و یا نوجوانانی که دچار اضطراب، افسردگی و انزوای اجتماعی هستند؛ مشکلات رشد اجتماعی و عامل‌های مرتبط با آن را به‌عنوان مسئله‌ای قابل توجه در جوامع مطرح می‌کند. رشد اجتماعی^۱ به زبان ساده یعنی اینکه فرد بتواند روابط اجتماعی برقرار کند؛ به عبارت دیگر وقتی فرد یاد گرفت که با معیارهای گروه، خلیات و سنت‌ها هم‌نویی کند و به مرحله‌ای رسید که با جامعه‌اش ارتباط و تعاون داشته باشد گوییم که از لحاظ اجتماعی رشد و تکامل یافته است (شعاری نژاد، ۱۳۷۰).

داده‌های پژوهشی گوناگون حاکی از آن هستند که در بروز مواردی چون بزه‌کاری، افت تحصیلی و ناسازگاری مدرسه‌ای به همراه ضعف در رشد اجتماعی به چشم می‌خورند (لیبرمن^۲، ۱۹۸۹). فاتحی زاده (۱۳۸۰) گزارش نموده است که رشد اجتماعی پسران شامل سه مرحله‌ی تقلید، افتخار به شخصیت و تعادل اجتماعی و در دختران از چهار مرحله‌ی اطاعت، اضطراب، تقلید و تعادل اجتماعی گذر می‌کند. در فرایند گذر از مرحله‌های مذکور، عامل‌های خانواده، گروه اجتماعی و مدرسه اثرگذار هستند. معلمان و مربیان در رشد اجتماعی دانش‌آموزان نقش به سزایی ایفا می‌کنند. در این میان، مدرسه در انتقال هنجارها و ارزش‌های جامعه به دانش‌آموز نقش حیاتی برعهده دارد (شعاری نژاد، ۱۳۸۰). مدرسه می‌تواند با فراهم آوردن فرصت‌های گروهی برای آموزش مهارت‌های ارتباطی و رشد اجتماعی، به دانش‌آموزان کمک کند. کلاس‌های درس از نظر حضور تعداد پایه‌های تحصیلی یکسان یا مختلف به دو گروه مجزای کلاس‌های درس تک‌پایه و کلاس‌های درس چندپایه^۳ تقسیم می‌شوند. کلاس‌های چندپایه برای گام برداشتن در این مسیر امکانات بیشتری را به همراه دارند (آقازاده و فتحی، ۱۳۸۹). کلاس چندپایه از چندپایه تحصیلی (دو، سه‌پایه یا بیشتر) تشکیل می‌شود و به همه دانش‌آموزان آن، در تمام طول سال تحصیلی یک معلم آموزش می‌دهد. در کلاس‌های چندپایه، دانش‌آموزانی در سنین متفاوت و با توانایی‌ها و مهارت‌های متفاوت، شرکت می‌کنند (کیایی، ۱۳۸۲).

-
1. Social development
 2. liberman
 3. Multigrade classroom

نگاه‌های مختلفی به کلاس‌های درس چندپایه وجود دارد. برخی این کلاس‌ها را جزء معضلات نظام آموزشی می‌دانند که باید از میان برداشته شود؛ و بعضی دیگر، وجود این کلاس‌ها را به‌مثابه فرصتی برای یک عمل آموزش‌وپرورش بهینه به شمار می‌آورند. بررسی ادبیات کلاس‌های درس چندپایه، در سال‌های اخیر نشان می‌دهد در نظام‌های آموزش پیشرفته (نظیر ایالات متحده و کانادا و ...) کلاس‌های درس چندپایه به‌صورت عمدی ایجاد می‌شوند. به دیگر سخن، در کشورهای پیشرفته با وجود امکان دسترسی به آموزش و تسهیلات برای برگزاری کلاس‌های درس تک‌پایه، در دوره ابتدایی نگاه‌ها به سمت ایجاد کلاس‌های درس چندپایه معطوف است.

مانسون و برنر (۱۹۹۶) معتقدند ماهیت تدریس در کلاس‌های چندپایه کیفیت آموزش را کاهش می‌دهد و یمن (۱۹۹۶) در مصاحبه با معلمان کلاس‌های چندپایه در هلند از استرس این معلمان خبر می‌دهند. توسعه کلاس‌های چندپایه در بسیاری از کشورها به‌عنوان یک ضرورت شناخته شده است (فضلی، ۱۳۸۲).

سیمون و یمن در تحقیقی که در سال ۱۹۹۵ منتشر کردند، ضمن بررسی ۶۵ تحقیق در زمینه کلاس‌های چندپایه که ۳۳ مورد آن در ایالات متحده انجام شده است، نتایج تست‌های استاندارد را در کلاس‌های تک‌پایه با چندپایه مقایسه کردند و نتیجه گرفتند که عموماً نتایج برابر هستند، درحالی‌که تحقیقات دیگر، تفاوت‌هایی را گزارش کرده‌اند. بررسی تأثیرات کلاس‌های چندپایه در کالیفرنیا نشان می‌دهد، این کلاس‌ها ضمن این‌که فرصت خوبی برای انجام کار گروهی و برقراری ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر فراهم می‌کنند، رشد اجتماعی و درک متقابل آنان را نیز بالا می‌برند و زمینه‌ساز دوستی با دانش‌آموزان پایه‌های دیگر هستند که خود این امر سبب می‌شود، دانش‌آموزان به نظرات همدیگر اهمیت بدهند. بررسی‌ها درمجموع نشان می‌دهند، در صورتی‌که کلاس‌های چندپایه از طرف مسئولان و والدین حمایت شوند، بسیار موفق خواهند بود (کیایی، ۱۳۸۲).

تأثیرات متفاوت مشاهده شده در کلاس‌های چندپایه بر کیفیت آموزش و رشد دانش‌آموزان در این کلاس‌ها برای کشورهای مختلف، این مسئله را بیان می‌کند که حضور در این کلاس‌ها چه تأثیری بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان می‌گذارد؟

مددی پایان‌نامه‌ای با موضوع «بررسی و مقایسه مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت درسی بین دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه و تک‌پایه» به انجام رسانده است. وی هدف از انجام این پژوهش را، مقایسه مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت درسی بین دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه و تک‌پایه بیان نموده است. گروه نمونه این تحقیق مشتمل بر دویست و شصت و یک نفر

(چهل و نه دختر و هشتاد و یک پسر تک پایه و پنجاه و شش دختر و هفتاد و پنج پسر چند پایه) است که در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ در پایه پنجم ابتدایی به تحصیل اشتغال داشتند. در این تحقیق از سه ابزار: پرسشنامه عزت نفس پوپ، پرسشنامه رشد مهارت‌های اجتماعی و آزمون ریاضی معلم ساخته استفاده شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها، آمارهای توصیفی مناسب و آزمون t مستقل برای مقایسه دو گروه به کار گرفته شد. به استناد یافته‌های این پژوهش، بین دانش‌آموزان کلاس‌های چند پایه و تک پایه از نظر میزان مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت درسی تفاوت معناداری وجود دارد و دانش‌آموزان کلاس‌های چند پایه، مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت درسی بالاتری را نسبت به دانش‌آموزان کلاس‌های تک پایه نشان دادند. بین این دو گروه (کلاس‌های چند پایه و تک پایه) از نظر عزت نفس تفاوت معناداری مشاهده نشد و فقط در خرده آزمون‌های عزت نفس (عزت نفس تحصیلی)، میانگین نمره‌های دانش‌آموزان کلاس‌های چند پایه نسبت به تک پایه بالاتر بود (مددی، ۱۳۸۳).

در بسیاری از کشورها تحقیقات گسترده‌ای در رابطه با کلاس‌های چند پایه انجام شده است زیرا در این کشورها توسعه کلاس‌های چند پایه به عنوان یک ضرورت شناخته شده است. بررسی‌ها در ایالات مختلف آمریکا نشان می‌دهند که گرچه روش گروه‌بندی بر اساس سن هنوز در حال توسعه است و مخالفت‌هایی با کلاس‌های چند پایه می‌شود، اما در برخی از ایالت‌ها، این کلاس‌ها برای متخصصان آموزشی یک انتخاب برتر است. در بسیاری از مدرسه‌ها، معلمان پیشنهاد ادغام کلاس‌ها را کرده‌اند و حتی دیوار کلاس‌ها را برداشته‌اند؛ زیرا معتقدند، افرادی که در جامعه و خانواده زندگی می‌کنند، چند سنی هستند و آموزش باید نمونه‌ای از زندگی واقعی باشد؛ بنابراین، برای اینکه کلاس‌ها انعکاسی از زندگی واقعی باشند، دانش‌آموزانی با سنین متفاوت می‌توانند در یک کلاس حاضر شوند. ماریانو در تحقیقی با عنوان «اکتسابات دانش‌آموزان در کلاس‌های چند پایه» تأثیر ساختار کلاس بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی را مطالعه نموده است. در این تحقیق ۱۹۰۰ نفر دانش‌آموز پایه‌های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی حضور داشتند. نتایج این تحقیق در درس ریاضی نشان داد که نمرات دانش‌آموزان کلاس‌های چند پایه ۰٫۱ انحراف استاندارد کمتر از دانش‌آموزان کلاس‌های تک پایه است. تفاوت‌های مشاهده شده در کلاس‌های بالاتر یعنی چهارم و پنجم بیشتر شد و از نظر آماری معنی‌دار نشان داد (ماریانو، ۲۰۰۹).

پاوان و میلر بروس در تحقیقات دیگری نشان دادند که برنامه‌های کلاس‌های چند پایه باعث ارتقای سطح آموزش در بسیاری از مدرسه‌ها شده و نتایج بهتری از آموزش سنتی داشته است. پاروان، ۶۴ مورد مطالعه در آمریکا و کانادا انجام داد و متوجه شد که اکثر کلاس‌های چند پایه (۵۸ درصد) در

پاسخ به تست‌ها، موفقیت بیش‌تری داشته‌اند و در مورد بهداشت روانی نیز ۵۲ درصد آن‌ها از وضعی بهتری برخوردار بوده‌اند. سیمون و یمن در تحقیقی که در سال ۱۹۹۵ منتشر کرد، ضمن بررسی ۶۵ تحقیق در زمینه کلاس‌های چندپایه که ۳۳ مورد آن در ایالات متحده انجام شده است، نتایج تست‌های استاندارد را در کلاس‌های تک‌پایه یا چندپایه مقایسه کرد و نتیجه گرفت که عموماً نتایج برابر هستند، درحالی‌که تحقیقات دیگر، تفاوت‌هایی را گزارش کرده‌اند. بررسی تأثیرات کلاس‌های چندپایه در کالیفرنیا نشان می‌دهد، این کلاس‌ها ضمن اینکه فرصت خوبی برای انجام کار گروهی و برقراری ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر فراهم می‌کنند، رشد اجتماعی و درک متقابل آنان را نیز بالا می‌برند و زمینه‌ساز دوستی با دانش‌آموزان پایه‌های دیگر هستند که خود این امر سبب می‌شود، دانش‌آموزان به نظرات همدیگر اهمیت بدهند. بررسی‌ها درمجموع نشان می‌دهند، در صورتی که کلاس‌های چندپایه از طرف مسئولان و والدین حمایت شوند، بسیار موفق خواهند بود.

روش

جامعه این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان کلاس پنجم کل دبستان‌های دولتی شهرستان میامی که در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ اشتغال به تحصیل دارند، می‌باشد. بر اساس اطلاعات گرفته شده از آموزش پرورش مرکزی میامی این شهرستان دارای ۴۹ مدرسه دولتی است. ۳۹ مدرسه از این تعداد به صورت چندپایه و ۱۰ مدرسه به صورت تک‌پایه هستند. تعداد کل دانش‌آموزان که در این مدارس مشغول به تحصیل می‌باشند، ۳۹۱۲ نفر است. ۷۳۰ نفر از آن‌ها کلاس پنجمی هستند که حجم جامعه این پژوهش را تشکیل می‌دهند. ۳۵۰ نفر آن‌ها دختر و ۳۷۰ نفر آن‌ها پسر می‌باشند. ۴۸۰ نفر از این ۷۳۰ نفر در کلاس‌های چندپایه و ۲۳۰ نفر در کلاس‌های تک‌پایه اشتغال به تحصیل دارند. با توجه به مطالعات و زمینه‌یابی‌های انجام شده (برای روش علی مقایسه‌ای) و با توجه به حجم جامعه ۷۳۰ نفری تعداد نمونه ۱۲۰ نفری در دستور کار قرار داده شده است که با احتمال ریزش و وجود پرسشنامه‌های مشکل‌دار ۱۳۵ نفر مورد آزمون قرار گرفتند. در نهایت ۱۲۰ پرسشنامه سالم به دست آمد که برای بررسی فرضیه‌های تحقیق از نتایج تحلیل‌های اطلاعات آن‌ها استفاده شد. بعد از تعیین حجم نمونه در جامعه آماری مذکور روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای اعمال شد. در این نمونه‌گیری سعی شد توازن جنسیت کنترل شود.

طرح این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای است.

برای سنجش متغیرها از پرسشنامه مقیاس بلوغ اجتماعی واینلند^۱ استفاده شد. این پرسشنامه یکی از مقیاس‌های تحولی است که با میزان توانایی فرد در برآوردن نیازهای عملی خود و قبول مسئولیت سروکار دارد. گرچه این مقیاس گستره سنی تولد تا بالاتر از ۲۵ سال را در برمی‌گیرد و تا ۱۲ سالگی برای هر سال، سؤال‌های مجزا دارد، اما از ۱۲ سالگی به بعد بین ۱۲ تا ۱۵ سالگی، ۱۵ تا ۱۸ سالگی، ۱۸ تا ۲۰ سالگی، ۲۰ تا ۲۵ سالگی و از ۲۵ سالگی به بالا سؤالات مشترک دارد، با این حال معلوم شده است که کارآمدی آن در سنین پایین‌تر و به‌ویژه در گروه‌های عقب‌مانده ذهنی به حداکثر می‌رسد. این مقیاس دارای ۱۱۷ ماده است که به گروه‌های یک‌ساله تقسیم شده‌اند. در هر ماده اطلاعات موردنیاز نه از طریق موقعیت‌های آزمون بلکه از راه مصاحبه با مطلعین یا خود شرکت‌کننده به دست می‌آید. اساس مقیاس بر این امر استوار است که فرد در زندگی روزمره توانایی چه‌کارهایی را دارد. ماده‌های مقیاس را می‌توان به هشت طبقه تقسیم کرد: خودیاری عمومی، خودیاری در غذا خوردن، خودیاری در لباس پوشیدن، خودفرمانی، اشتغال، ارتباط زبانی، جابه‌جایی و اجتماعی شدن^۲. با توجه به نمره‌های شخص روی مقیاس می‌توان سن اجتماعی (SA) و بهره اجتماعی (SQ) را محاسبه کرد.

روایی و اعتبار: مقیاس واینلند روی ۶۲۰ نفر (شامل ۱۰ مرد و ۱۰ زن) در هر یک از گروه‌های سنی از تولد تا ۳۰ سالگی، هنجاریابی شده است. لازم به ذکر است که در این نمونه تعداد افراد در هر یک از گروه‌های سنی بسیار کم بود و نیز با توجه به اینکه اکثر افراد مورد آزمایش از طبقه متوسط جامعه بودند نمی‌توان چنین نمونه‌ای را معرف کل جامعه تلقی کرد. ضریب پایایی با باز آزمایی ۱۲۳ نفر، ۰٫۹۲ گزارش شده است، با این توضیح که فاصله باز آزمایی از یک روز تا ۹ ماه بوده است.

بهره اجتماعی (SQ): برای به دست آوردن بهره اجتماعی، ابتدا نمره‌هایی را که کودک از هر سؤال می‌گیرد باهم جمع کرده، آنگاه به جدول پیوست مراجعه می‌کنیم و سن اجتماعی (SA) معادل نمره خام به‌دست‌آمده را پیدا می‌کنیم. سپس بهره اجتماعی (SQ) را با استفاده از فرمول مربوطه محاسبه می‌کنیم. SA و CA (سن تقویمی) به‌دست‌آمده به یک واحد تبدیل می‌شوند، یعنی هر دو یا به سال یا به ماه حساب شوند. نتیجه به‌دست‌آمده یعنی SQ نمره‌ای است که روانشناس بر اساس آن و با توجه به شناخت کودک و هنجارهای اجتماعی جامعه، قضاوت می‌کند که آیا نمره‌ای که کودک

1. WINELEND

2. Socialization

گرفته نشانگر نقص در رفتار سازشی است یا خیر. رفتار سازشی یعنی سازگاری فرد با توجه به سن خود در مورد روابط اجتماعی و فرهنگی (شیوه‌نامه مقیاس رشد واینلند، ۱۳۸۵).

درمجموع اطلاعات موردنیاز برای فرضیه آزمایی این پژوهش با دو روش مطالعات کتابخانه‌ای و روش میدانی جمع‌آوری شد. بعد از مطالعات کتابخانه‌ای با استفاده از روش‌های میدانی اطلاعات توسط پرسشنامه‌ها جمع‌آوری گردید تا با بررسی و تحلیل هر چه دقیق‌تر آن‌ها فرضیه‌های این پژوهش به چالش گذاشته شوند و اهداف این پژوهش به نتیجه برسند.

در این راستا از پرسشنامه رشد اجتماعی واینلند نسخه‌های مجزا برای پدر، مادر و خود دانش‌آموز تهیه شد و قرار شد که والدین به‌صورت مجزا پرسشنامه‌ها را تکمیل کنند. ۲۷ نفر از والدین به دلیل کم‌سوادی توانایی تکمیل پرسشنامه‌ها را نداشتند که در این امر به آن‌ها کمک شد.

یافته‌ها

در این پژوهش به‌منظور مقایسه رشد اجتماعی در دانش‌آموزان دختر و پسر کلاس‌های چندپایه و کلاس‌های تک‌پایه تکالیف متفاوتی اجرا شد. رشد اجتماعی دانش‌آموزان با توجه به پاسخگویی آن‌ها و والدینشان به پرسشنامه رشد اجتماعی سنجیده شد.

در اولین مرحله ساختار کلاس که متغیر مستقل این پژوهش است به تفکیک جنسیت موردبررسی قرار گرفت که خلاصه‌ای از یافته‌های این بررسی در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. فراوانی ساختار کلاس دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت

وضعیت ساختار کلاس		جنسیت		کل
		دختر	پسر	
تک‌پایه	فراوانی	28	32	60
درصد		23.3%	26.7%	50.0%
چندپایه	فراوانی	31	29	60
درصد		25.8%	24.2%	50.0%
کل	فراوانی	59	61	120
درصد		49.2%	50.8%	100.0%

در جدول ۱ مشاهده می‌شود گروه نمونه از نظر ساختار کلاس در دو طبقه مجزای کلاس‌های تک‌پایه و کلاس‌های چندپایه قرار گرفته‌اند. از گروه نمونه ۶۰ نفر در کلاس‌های تک‌پایه اشتغال به تحصیل دارند که ۲۸ نفر آن‌ها دختر و ۳۲ نفر آن‌ها پسر می‌باشند. همچنین ۶۰ نفر از گروه نمونه در کلاس‌های چندپایه درس می‌خوانند که ۳۱ نفر آن‌ها دختر و ۲۹ نفر آن‌ها پسر می‌باشند. در کل ۵۹ نفر از گروه نمونه معادل ۴۹,۲ درصد دختر و ۵۱ نفر معادل ۵۰,۸ درصد پسر هستند.

به‌منظور مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه با دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه از آزمون تی مستقل استفاده شد. نتایج در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون تی مستقل برای مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان چندپایه با تک‌پایه

میزان رشد اجتماعی	N	M	Sd	t	df	p
دانش‌آموزان تک‌پایه	60	46.96	5.20	3.676	118	0.000
دانش‌آموزان چندپایه	60	49.98	3.69			

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود مقدار t به‌دست‌آمده برای مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس چندپایه با نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس تک‌پایه به مقدار 3.676 و با درجه آزادی ۱۱۸ در سطح ($p < 0/000$) معنادار می‌باشد؛ به عبارت دیگر رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه با دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه تفاوت معناداری مشاهده شد به گونه‌ای که نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه بیشتر از نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه می‌باشد. به‌منظور مقایسه مؤلفه‌های رشد اجتماعی شامل خودیاری در خوردن، خودیاری در پوشیدن، خود رهبری، مسائل شغلی و مشغولیات، جابجایی، ارتباط و اجتماعی بودن از تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد.

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) مقایسه مؤلفه‌های رشد اجتماعی

شاخص‌های چند متغیری	Value	F	Df ₁	Df ₂	P
اثر پیلاپی	0.428	11.973	7	112	0.000
لامبدای ویلکز	0.572	11.973	7	112	0.000
اثر هوتلینگ	0.748	11.973	7	112	0.000
بزرگ‌ترین ریشه روی	0.748	11.973	7	112	0.000

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود شاخص لامبدای ویلکز مقایسه بین گروه‌ها معنی‌دار است ($F_{7.112}=0.572, p<0.001$) که نشان می‌دهد بین مؤلفه‌های مختلف رشد اجتماعی در دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه با چندپایه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در ادامه به‌منظور بررسی جزئی‌تر تفاوت‌ها در بین دو گروه نتایج تحلیل واریانس یک راهه گزارش شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس یک راهه برای مؤلفه‌های رشد اجتماعی

منبع تغییر	مؤلفه‌ها	S S	df	MS	F	P
بین گروهی	مشغولیات	103.60	1	103.602	25.303	0.000
	ارتباطات	25.21	1	25.208	5.892	0.017
	خودپاری	0.35	1	0.352	1.468	0.228
	پوشیدن	4.41	1	4.408	2.783	0.098
	خود رهبری	0.05	1	0.052	0.728	0.395
	خودپاری خوردن	73.63	1	73.633	56.472	0.000
	اجتماعی بودن	0.01	1	0.008	0.400	0.528
خطا	جابجایی	483.15	118	4.094		
	مشغولیات	504.88	118	4.279		
	ارتباطات	28.30	118	0.240		
	خودپاری پوشیدن	186.92	118	1.584		
	خود رهبری	8.45	118	0.072		
	خودپاری خوردن	153.86	118	1.304		
	اجتماعی بودن	2.46	118	0.021		
	جابجایی					

در جدول ۴ مشاهده می‌شود مؤلفه مشغولیات دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه با دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه تفاوت معنی‌داری دارد ($F_{1,118}=25.3, p<0.001$). بین ارتباطات دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه با دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه تفاوت معنی‌دار مشاهده شد ($F_{1,118}=5.89, p<0.017$). همچنین بین اجتماعی بودن این دو گروه تفاوت معنی‌داری ($F_{1,118}=56.49, p<0.001$) مشاهده شد و در تمامی موارد بیان شده دانش‌آموزان گروه‌های چندپایه وضعیت مناسب‌تری داشتند.

نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر مقایسه رشد اجتماعی و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه با دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه است. نتایج مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس چندپایه با نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس تک‌پایه معنادار شد. با بررسی مقادیر میانگین‌ها مشخص شد که نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه (۴۹,۹) بیشتر از نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های (۴۶,۹) تک‌پایه است.

این یافته با بسیاری از مبانی نظری هماهنگی دارد و به شکل مناسبی یافته‌ها و گفته‌های پژوهش‌های پیشین را تأیید می‌کند. از این میان می‌توان به یافته‌های مددی (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی و مقایسه عزت نفس و پیشرفت درسی بین دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه و تک‌پایه» اشاره نمود. نتایج این پژوهش نیز نشان داده بود بین دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه و تک‌پایه از نظر میزان عزت نفس و پیشرفت درسی تفاوت معناداری وجود دارد و دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه، عزت نفس و پیشرفت درسی بالاتری نسبت به دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه دارند. در این پژوهش متغیرهای دیگری مانند عزت نفس نیز سنجیده شده بودند که تفاوت‌ها در آن‌ها معنادار نبود (مددی، ۱۳۸۳).

در مطالعات ویلکسون (۲۰۰۳) عنوان شده است علاوه بر انجام فعالیت‌های گروهی، ارتباط دانش‌آموزان با معلم، در کلاس‌های چندپایه عمیق‌تر است. معمولاً دانش‌آموزان به مدت چند سال با یک معلم در ارتباط هستند و این فرصت مناسبی است تا دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر به افراد پایه‌های پایین‌تر در یادگیری کمک کنند و این امر باعث تقویت آموخته‌های خودشان هم می‌شود. همچنین، بر اساس تشخیص معلم، دانش‌آموزان این کلاس‌ها در بیش از یک امتحان دو نوبته ارزشیابی می‌شوند و

هر کودک می‌تواند به شیوه خودش یاد بگیرد و در مجموع استفاده از کلاس‌های چندپایه، از نظام مبتنی بر فرد یا پایه تحصیلی، مؤثرتر و ارزان‌تر است (ویلکسون، ۲۰۰۳).

در مطالعات پیشین پژوهشی یافت نشد که متغیر وابسته آن با متغیرهای این تحقیق یکسان باشد و نتایج آن متضاد یافته‌های این پژوهش باشد. ولی تحقیقاتی مشاهده شد که در آن‌ها کلاس‌های چندپایه و تک‌پایه تفاوت معناداری نداشتند. سیمون و یمن (۱۹۹۵) ضمن بررسی ۶۵ تحقیق در زمینه کلاس‌های چندپایه که ۳۳ مورد آن در ایالات متحده انجام شده است، نتایج تست‌های استاندارد را در کلاس‌های تک‌پایه یا چندپایه مقایسه کرد و نتیجه گرفت که عموماً نتایج برابر هستند. بررسی تأثیرات کلاس‌های چندپایه در کالیفرنیا نشان داد، این کلاس‌ها ضمن اینکه فرصت خوبی برای انجام کار گروهی و برقراری ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر فراهم می‌کنند، رشد اجتماعی و درک متقابل آنان را نیز بالا می‌برند و زمینه‌ساز دوستی با دانش‌آموزان پایه‌های دیگر هستند که خود این امر سبب می‌شود، دانش‌آموزان به نظرات همدیگر اهمیت بدهند. بر اساس نتایج این فرضیه و تأیید نتایج پژوهش‌های پیشین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که کلاس‌های چندپایه نسبت به کلاس‌های تک‌پایه تأثیر مناسب‌تری بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان دارند.

فهرست منابع

- ۱- آقازاده، محرم و فضلای، رخساره (۱۳۸۹). راهنمای آموزش در کلاس‌های درس چندپایه، چاپ هشتم، تهران: انتشارات آیش.
- ۲- امیرتاش، علی محمد و سبحانی نژاد، مهدی و عابدی، احمد (۱۳۸۵). «مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان پسر ورزشکار و غیر ورزشکار دوره راهنمایی تحصیلی»، مجله المپیک، شماره ۱۴ (پیاپی ۳۴)، صص ۵۳-۶۱.
- ۳- برج، ایان و لالی مایک (۱۳۷۹). تدریس چندپایه در مدارس ابتدایی، ترجمه پریش جعفری، تهران: وزارت آموزش و پرورش، دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی.
- ۴- حاجی اسحاق، سهیلا؛ حشمتی، فرخ لقا و مساعدمقدم، تقی (۱۳۸۳). فرایند یاددهی یادگیری در کلاس‌های چندپایه، تهران: موسسه کوروش چاپ.
- ۵- دمیرچی لو، محمد (۱۳۷۲). «سودمندی آموزش مهارت اجتماعی»، ماهنامه تربیت، شماره ۸.
- ۶- رهنما، اکبر و علین، حمید (۱۳۸۴). «مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیر شاهد شهر تهران»، مجله دانشور رفتار، (ویژه مقالات علوم تربیتی ۵)، صص ۳۳-۴۴.
- ۷- ریچارد مک هارد، وندی پرتیچارد (۱۳۸۲). مدیریت تحول و نوآوری، ترجمه مهدی ایران نژاد پاریزی، تهران: نشر مدیران.
- ۸- فاتحی زاده، مریم (۱۳۸۰). بررسی عملکرد مدارس در پرورش مهارت‌های اجتماعی، اصفهان: شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان اصفهان.
- ۹- میلر بروس (۱۹۹۰). «بررسی تحقیقات کمی در مورد تدریس چندپایه»، ترجمه پریش جعفری، مجله رشد معلم، دوره ۱۴، شماره ۱.
- 10- Barkley, R. A. (2003). issues in the diagnosis of attention- deficit/ hyperactivity disorder in children. **Brain and development**, 25, 77-83.
- 11- Hervey, A. S. Epstein, J. N. & Cury, J. F. (2004). Neuropsychology of adults with attention-deficit hyperactivity disorder: **A meta-analytic review. Neuropsychology**, 18(3), 485-503.
- 12- Hill, L. (2003). Module MG.1 **introduction to multigrade teaching**. Papua New Guinea: PASTEP.

- 13- L. T. MARIANO, SHEILA NATARAJ KIRBY. (2009). Achievement of Students in Multigrad Classrooms Evidence from the Los Angeles Unified School District. WR-685-IES.
- 14- Holden R. R. (1992). Association between the holden psychological screening inventories in a nonclinical sample. **Psychological Reports**, 1039-1042.
- 15- Stormshak, E. A, Bierman, K. L. McMahon, R. J, and Lengua, L. J. (2000). The over – scheduled child: avoiding the hyper – parenting trap. The brown university. **Child and adolescent behavior letter**. 29, 17-29.

